

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ جولای ۲۰۱۸

نوبت به شرکای هزاره هم رسید.

یکشنبه- ۱۷ سرطان ۱۳۹۷ - کابل: می گویند در سابق یک ملانی وجود داشت که با وجود عدم اطلاع از زبان عربی، همیشه ادعا داشت که فهمش در زبان عربی ممتاز و می تواند از زبان فارسی و پشتو به عربی ترجمه نماید. از قضا در یکی از روز ها چیزی را از ملا صاحب می پرسند که می بایست تقسیم شده و جداگانه را می رساند. ملا صاحب که نوشتم به چیزی کمتر از شخص اول در دانش و علم قانع نبود، در آزمون کم نیاورده گفت: "الهم انی یکه یکه".

داستان "الهم انی یکه یکه" هر چه که بوده باشد، اگر نیک نظر اندازیم، مناسبات "غنی احمدزی" با شرکای قدرتش را از اقوام دیگر به خوبی نشان می دهد. چه:

۱- همه شاهدیم که "غنی احمدزی" قبل از انتصاب به کرسی سرکرده غلامان، جهت زدن "عبدالله عبدالله" - عبدالمود- با "ضیاء مسعود" چنان نزدیک شد تو گوئی روده های به چسپیده یک حیوان خونخوار اند. به محض پیروزی و اندکی فضای تنفس یافتن، "ضیاء مسعود" را به همان قسمی که شایسته اش بود، به مانند یک لته کثیف، به دور انداخت.

۲- "غنی احمدزی" که قوانین بازی های سیاسی را در مکتب "سیا" بدرستی فراگرفته، بعد از زدن "ضیاء مسعود" که توان تقابل "عبدالمود" را نداشت، دست "مرحمت" بر سر معاون اول خودش "دوستم" کشید، بعد از مدتی وقتی خواست نامبرده را در قضیه مدفن "امیر حبیب الله کلکانی" با "عبدالمود" روبه رو کند و به هدفش نایل نشد، "دوستم" را که خودش را ستون نظام می دانست، با سوراخ ایشچی، به "توران" فراری نمود.

۳- باز هم جهت تضعیف و نوکر ساختن "عبدالمود"، "غنی احمدزی" کوشید تا باب مغازه را با "معلم عطا" بکشاید. بعد از آن که "عطا" را به قدرکافی با "عبدالمود" دشمن ساخت، همه شاهدیم که چگونه، "عطا" را در ازای تسلیمی بدون قید و شرط "عبدالمود" به خودش دور ساخت.

۴- در اتحاد ها اینک نوبت به شرکای هزاره اش در قدرت رسیده است. در مقطع کنونی حاکمان هزاره توسط سه نفر معرفی می شود. "دانش"، "خلیلی" و "محقق". از این جمع "دانش" از دل و جان و با تمام قدرت در خدمت "غنی احمدزی" قرار دارد. نامبرده در خدمتگاری به "غنی احمدزی" آنقدر وفادار است که اگر از وی خواسته شود، جهت یک روز دوام کرسی، سرتمام قوم هزاره را در طبق اخلاص گذاشته تقدیم "غنی احمدزی" نماید، یک لحظه درنگ نمی نماید. "خلیلی" همیشه منتظر است که چه برایش می رسد ورنه از ته دل، بیشتر با "کرزی" است تا با "غنی احمدزی". یعنی وقتی پای سرکوب مردم در میان باشد، "خلیلی" در کنار "غنی احمدزی" ایستاده می شود، مگر وقتی

مسأله رقابت بین "کرزی" و "غنی احمدزی" در میان باشد، تجربه نشان داده که وی سرجوال را با "کرزی" خواهد گرفت.

و اما مسأله "محقق" یک اندازه فرق می نماید. "محقق" گذشته از آن که به زعم "غنی احمدزی" "پخ" زدن را بلد است و گاه گاهی "پخ" می زند، زنجیرش نیز در دستان حریف بادران "غنی احمدزی" است. یعنی گذشته از خوی شخصی، رنگ قلاده اش نیز با رنگ قلاده "غنی احمدزی" اختلاف دارد.

۵- با در نظر داشت همین نزاکت، وقتی "غنی احمدزی" فردی به نام "داکتر رسول طالب" را که یکی از راسیست های نزدیک به "مزاری" معدوم و یک تن از جاده صاف کنان اشغال کشور بوده و سالها در امریکا زندگانی می نمود، مستقیماً به دستور امریکا، به حیث مشاور خاصش در امور قوم هزاره مقرر می نماید، باید مطمئن بود که "سیا" در صدد پختن آشی برای سه هزاره شریک قدرت با دولت دست نشانده است. این که "طالب" سرخور کدام یک خواهد شد، با وجود تمام سروصدا ها و خصومت هائی که "محقق" نشان می دهد، به احتمال اغلب، در گام نخست، نخستین قربانی "خلیلی" خواهد شد. تا برسد نوبت به دو نفر بعدی.

دیده شود چه می شود!!